

خوانده شد خواستم توضیحی بدهم که رفع اشتباه شود .

**رئیس** - سابق پیشنهادی شده دیگر گویا مخالفی نیست (گفتند خیر) - پس رأی میگیریم آقایانیکه آن رایورت کمیسیون بودجه را تصویب میکنند ورقه سفید بیندازند اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بدهد ۴۶ ورقه سفید شماره نمود .

**رئیس** - با کثرت ۴۶ رأی تصویب شد - دستور جلسه آینده - بقیه شور اول از قانون شرکت های تجاری - رایورت کمیسیون بودجه راجع بمحسن خان مخالفی هست .

**لواء الدوله** - در خصوص ادیب کرمانی از کمیسیون بودجه .

لايه که از وزارت مالیه آمده است گذشته است چون این شخص مدت یکسال است که از وزارت مالیه در خصوص او نوشته اند و خیلی هم زحمت کشیده است در راه مشروطیت و استحقاق هم دارد از این جهت استدعا میکنم که در جلسه دیگر جزء دستور بگذارند .

**رئیس** - يك فقره رایورت کمیسیون بودجه جزء دستور جلسه آینده است اینرا میگذاریم از برای جلسه دیگر .

**حاج شیخعلی** - رایورتی از کمیسیون معارف آمده بود برای تأسیس مدارس ابتدائی و رجوع شد بکمیسیون بودجه چون چیزی در دستور نداریم خوبست او را هم جزء بکنید .

**رئیس** - از کمیسیون بودجه هنوز رایورت نداده اند تأکید شده است هر وقت رایورت آنرا دادند جزء دستور میشود .

**ارباب کیخسرو** - بنده همان عرضی را که در آن جلسه کردم تکرار میکنم که خوبست ما آن تلگراف اردبیل را دومرتبه نگاه بکنیم و ببینیم چه برسر آن بیچاره ها وارد آمده است و امروز هم در اینجا خوانده شد .

و رجوع شد بکمیسیون داخله خود حضرت عالی فرمودید که در جلسه دیگر رایورت آن داده خواهد شد آخر آن بیچاره که بمجلس تلگراف میکنند يك مقصودی دارند و در مجلس خواندن هم برای اخذ يك نتیجه است از این جهت تقاضا میکنم که تأکید بفرمائید که زودتر رایورتش را بکمیسیون داخله بدهند که ببینیم چه فراری در اینخصوص داده اند

**رئیس** - بعد از همان جلسه که تلگراف در مجلس قرائت شد کمیسیون داخله منعقد شده بود ولی موفق نشده بودند که وزیر داخله یا معاونان را ملاقات بکنند و تا وزیر و معاون راهم نبینند و بدانند که چه فراری در این باب گذاشته اند کمیسیون نمیتواند رایورت بدهد باز هم تأکید میشود که وزیر داخله بیاید توضیحات بدهد تا این که کمیسیون مسبوق بشود و رایورت آن را بمجلس بدهد .

**افتخار الواعظین** - بعضی سئوال ها است بنده از وزارت خانه ها کرده بدم و تا بحال آقایان وزراء برای جواب ها حاضر نشده اند مخصوصاً در باره قشون ساخلو خراسان سئوالی کرده ام می خواستم استدعا کنم که اطلاع داده شود که بیایند جواب بدهند .

**رئیس** - تأکید میکنم بیایند - و اب بدهند مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد .

**جلسه ۲۷۰**

**صورت مشروح روز شنبه ۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ سرطان**

**رئیس آقای مؤتمن الملك** سه ساعت و ربع قبل از ظهر بصندلی ریاست جلوس فرمودند و سه ساعت قبل از ظهر مجلس رسماً افتتاح شد صورت جلسه روز پنج شنبه را آقای آقا میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند .

**قائین بدون اجازه** جلسه قبل - ناصر الاسلام ادیب التجار - حاج وکیل الرعایا - حاج امام جمعه با اجازه دکتر رضا خان - حاج محمد کریم خان - دکتر لقمان - آقا میرزا ابراهیم خان صدر العلماء آفاسید محمد رضای شیرازی - دکتر اسمعیل خان **رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه هست .

**ارباب کیخسرو** - در ماده ششم که بنده عرض کروم هر نسخه از آن شرکتنامه در نزدیکی از شرکاء باشد برطبق آن پیشنهادی هم کردم و هیچ ذکری از آن نشده است .

**رئیس** - پیشنهاد فقط یکی نبود پنج شش فقره بود ولی وقتی که مذاکرات در مواد کافی شده هیچ کدامش خوانده نشد و قتیکه ماده رامیخوانند باید پیشنهاد را قبل از آن که مذاکرات در آن کافی بشود فرستاد و چون قرائت نشده تا کر نشده دیگر ملاحظاتی هست؟ اظهار شد خیر .

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه شور قانون شراکتها تجاری رایورت کمیسیون بودجه راجع بمحسن خان شروع میکنیم بقانون شرکتهای تجاری از ماده ۲۳ .

(فصل دوم شرکت مختلفه سهامی) ماده ۲۳ - شرکت مختلفه مابین چند نفر ضامن جامع و مشمول بلاحد و چند نفر شریک دیگر که مسؤلیت و ضمانت آنها محدود بحصه آنها است منعقد میشود .

ماده ۲۳ - از رایورت کمیسیون - بجای کلمه (جامع) کل نوشته شود و بعد بعنوان تبصره این شرکت میشود دارای دو شراکت نامه قانونی بوده باشد .

اول - شراکت نامه میان چند نفر ضامن کل و مسؤل مثل شراکت نامه شرکت خصوصی و دویم شراکت نامه میان آن هیئت و میانه شرکاء که مسؤلیت آنها نسبت بحصه خود آنها است و می شود از اول امر يك شراکت نامه میانه جمیع منعقد شود و در شراکت نامه زمان و مسؤلیت نسبت بعضی شرط شود

**رئیس** - در ماده ۲۳ - از رایورت کمیسیون کسی مخالف هست (اظهاری نشد) .

**رئیس** - پس ماده ۲۴ خوانده میشود (بترتیب ذیل قرائت شد) .

ماده ۲۴ از طرح چون مسؤلیت شرکاء قسم دویم محدود به سهم آنها است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت برعهده آنها چیزی متصور نیست فاضل آن بر ذمه شرکاء مسؤل است - رایورت کمیسیون ماده ۲۴ عیناً تصویب شد .

**رئیس** - کسی مخالف نیست (اظهاری نشد) .

**رئیس** - آقای زنجانی پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۴ چنین نوشته شود - چون قسمت دویم شرکاء در زیاده از سهم خود مسؤلیت ندارند لهذا اگر این شرکت زیاده بردارائی آن باشد ایشان در ادای دین فاضل برادرائی شریک نخواهند بود .

**افتخار الواعظین** - چون عین مقصود ماده است تنهائش يك قدری توضیح کرده است کمیسیون قبول میکند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این عبارت وافی نیست - اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت برعهده آنها چیزی متصور نیست - فاضل آن بر ذمه شرکاء مسؤل است صحیح نیست و عبارت ماده مقصود را خوب نمیفهماند و آن عبارتی که پیشنهاد کرده ام مقصود را خوب می فهماند .

**رئیس** - چون کمیسیون قبول کرده است دیگر مذاکره نمیشود ماده ۲۵

ماده ۲۵ طر - شرایط تشکیل شرکت مختلطه همان است که در مواد شش الی ۱۴ ذکر شده و مواد ۱۵ الی ۲۶ در باره این چنین شرکت مجری است ماده ۲۵ از رایورت کمیسیون شرایط تشکیل شرکت مختلطه همان است که در مواد شش الی ۲۲ در باره این چنین شرکت مجری است .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - در باره این چنین شرکت مجری است کمی مجری شده است باید چنین نوشت که شرایط شرکت مختلطه هما است که در مواد ۱۶ الی ۲۲ ذکر شده است نه اینکه در باره این چنین شرکتی مجری است همچو چیزی که نشده است

**افتخار الواعظین** - بنده باید اینجا توضیح بدهم اقسام شرکت را برای آقایان تابدانند که این شرکت غیر از شرکت خصوصی است شرکت بچندین قسم متصور است تشکیل بشود يك مرتبه دو نفر شریک میشوند که بنده بخیرند و حمل کنند بروسیه یا اینکه با دام بخیرند و حمل کنند بروسیه این قانون شامل آن نیست يك مرتبه چند نفر جمع میشوند آدمی هزار تومان پول میکنند و بنده بین خودشان يك شرکتی تشکیل میدهند برای اینکه مثلاً دو خانه بسازند یا کارخانه چرم سازی راه بیندازند یا کاغذ سازی این را میگویند شرکت خصوصی و شرایط شرکت خصوصی گفته شد بکمرتبه این است که چند نفری جمع میشوند مؤسس واقع میشوند و آدمی پنج هزار تومان میگذارند و شرکتی تأسیس میکنند ولی آن سرمایه را صد هزار تومان معین میکنند باقی تا صد هزار تومان را باید از دیگران بگیرند گرفتن از سایرین هم برد قسم است يك مرتبه از آنها عین پول را میگیرند این می شود شرکت مختلطه که چند نفر مؤسس آدمی مثلاً پنج هزار تومان سرمایه گذاشته اند ولی سرمایه را چون تا صد هزار تومان معین کرده اند باقی آن را باید از خارج پول بگیرند بکمرتبه آن باقی را پول نمیگیرند بلکه سهام فروخته و باقی سرمایه را بتوسط اسهام جمع آوری میکنند این دویمی می شود شرکت مختلطه سهامی بکمرتبه این است که خودشان هیچ پول نگذاشته اند آمده اند مؤسس شده اند برای

تأسیس يك شركتی ولی قرار داده اند که تمام این سرمایه از خودشان و از سایرین بطریق اسهام گرفته شود حالا شرایطی دارد که مؤسس بیش از صد و باید اقلاً از بلیط ها و اسهام بردارد این خارج از مطلب است ولی مبنای شرکت هیچ پول نقد نبوده است بلکه اسهامی بوده است که فروخته شده است تنها همان اسهام را خریده اند اعم از اینکه مؤسسین بردارند یا سایرین این امیگویند شرکت محدود سهامی اینجا این شرکت مختلطه است این شرکت مختلطه مراد از چنین شرکت که در اصلاح کمیسیون نوشته شده است عرض کردم چند نفری جمع میشوند پولی میگذارند و مابقی سرمایه را از دیگران پول نقد باید بگیرند در مواد ۶ الی ۲۲ در شرکت خصوصی گفته شد که شرکت نامه را باید بوزارت تجارت و عدلیه ببرند مصدق بکنند و غیر ذلک درباره این شرکت مختلطه باید مجری شود.

**آقا شیخ ابراهیم** - عرض کردم مجری است صحیح نیست باید نوشته شود شرایط تشکیل شرکت مختلطه همان است که در مواد ۶ الی ۲۲ ذکر شده.

**رئیس** - پس خوب است يك چیزی بنویسید پیشنهاد کنید که بفرستیم بکمیسیون ماده ۲۶ ماده ۲۶ طرح - شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند حق آنها فقط رسیدگی و تفتیش و نظارت در عمل شرکاء مسئول است راپورت کمیسیون ماده ۲۶ با حذف کلمه یا شرکاء بعد از مدیر عیناً تصویب شد.

**رئیس** - در ماده بیست و ششم مخالفی هست (آقا شیخ ابراهیم - پیشنهادی کرده ام)

**معین الرعایا** - اینجا مینویسند که (شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند این را بنده صحیح نمی دانم بجهت اینکه ممکن است پیش از شرکاء غیر مسئول اشخاص لایقی پیدا شوند که شرکاء و مدیر نخواهند بآنها کار بدهند یکی هم اینکه می نویسد (حق آنها فقط رسیدگی و تفتیش و نظارت در عمل شرکاء مسئول است) آنرا هم باید معین بکند که چگونه این حق را دارند این نمیشود که هر وقت هر کس بخواهد هر قسم حق رسیدگی و تفتیش داشته باشد بایست حد تفتیش آن هاهم معین شود

**افتخار الواعظین** - بهمین علتی که فرمودید کمیسیون هم لفظ (ویا شرکاء) را حذف کرده است یعنی اگر چنانچه تمام شرکاء مسئول جمع شدند و یکی از شرکاء غیر مسئول وکالت دادند آن وقت حق دخالت را دارد در خود قانون دارد (ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء بهمین جهت کمیسیون لفظ (ویا شرکاء) را حذف کرده است بعلمت اینکه اگر شرکاء مسئول یکی از شرکاء غیر مسئول وکالت بدهند که برو فلان معامله را بکن بدیهی است که او میتواند برو آن معامله را بکند ولی مدیر که از شرکاء مسئول نیست

و فقط يك مدیری است که بتعین مجلس شرکاء معین شده است برای دخالت کردن اگر او حق دخالت یکی از شرکاء غیر مسئول بدهد نمیتواند به مقتضای وکالت او برود معامله بکند و اما اینکه فرمودید حق تفتیش و نظارتش باید محدود باشد خیر این قسم نباید باشد برای حفظ حقوق آن اشخاصی که در این شرکت با مؤسسین شرکت کرده اند و برای حفظ حقوق آن اشخاصی که با این شرکت طرف معامله شده اند و پول بقرض اینها داده اند خوبست تفتیش و نظارت را بلاحد قرار بدهند که هر وقت شرکاء غیر مسئول میل داشته باشند بروند بدقتسر و صندوق و دارائی شرکت تفتیش بکنند حق داشته باشند اگر محدود کردند بنده عمیده ام این است که اسباب زحمت شرکاء غیر مسئول و اشخاصی که طرف معامله با شرکت شده اند خواهد شد.

**آقا سعید حسن مدرس** - ظاهراً آن نسخه را که ما دیدیم لفظ (ولو) را (مگر) کرده بودند مگر اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند.

**معین الرعایا** - اینکه فرمودید بنده ملتفت بودم که در کمیسیون لفظ (شرکاء) را حذف کرده اند اما این حق را هم باید مخصوصاً تعمیم داد بواسطه اینکه کمتر ممکن میشود که شرکاء جمع بشوند و یکی را حق بدهند برای دخالت يك وقتی اقتضا میکند که مدیر یک نفر از همین شرکاء غیر مسئول را وکالت بدهد که يك معامله را بکند از این جهت این حق هم باید بمدير داده شود آن حق تفتیش را هم بطوریکه آقای مخبر فرمودند نمیشود بتمام شرکاء همچو حق بدهند بجهت اینکه هر يك نفری که ه تومان داده بخواهد بیايد تفتیش بکند و اسباب درد سر مدیر یا سایر شرکاء باشد کلیه در تفتیش برای شرکاء باید حق معینی باشد و الامکن نیست که هر يك از شرکاء در هر موقعی که بخواهند بروند تفتیش بکنند این ترتیب ممکن نخواهد بود و يك چنین حقی بتمام شرکاء نمیشود داد.

**افتخار الواعظین** - این معلومت در نظامنامه که شرکاء بین خودشان می نویسند البته ترتیب تفتیش و نظارت را معین خواهند کرد همچو مطلق نخواهند گذاشت که هر شریکی که صد تومان داده باشد هر گاه برود رسیدگی و تفتیش میکند ولی بنده عرض میکنم که این حق را نباید محدود کرد این حق را باید بآنها داد که ۳ ماه ۶ ماه يك مرتبه موافق آنچه در نظامنامه معین میکنند آن حق را داشته باشند که بروند تفتیش و نظارت بکنند.

**ارباب کیخسرو** - آن بیاناتیکه آقای مخبر فرمودند در مسئله تفتیش این ماده این قسم نمی فهماند پس اگر مقصودشان همان است که در حدود نظامنامه شرکاء مسئول یا غیر مسئول حق داشته باشند بروند تفتیش بکنند خوب است در اینجا اشاره بشود مطابق نظامنامه و الا اگر آن اینجا اشاره نشود این يك دست آویزی میشود برای شرکاء که هر ساعت اسباب زحمت بشوند.

**آقا محمد بروجردي** - اینکه می نویسد (ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشد) منبیش را بنده نمی فهمم و عرض میکنم که مدیر

فی الواقع يك گماشته و وکیل از طرف شرکاء که باید خرید و فروش و کیفیات راجعه بآنها اداره بکنند خود شرکاء مسئول که صاحب مال هستند اگر يك وکالتی بدهند بشرکاء غیر مسئول که دخالت در امور بکنند این منافات با وکیل اولی ندارد و بعد هم خود آن مدیر را وکیل کرده اند که امور اداره را اجرا بدارد مدیر که نمیتواند تمام جزئیات امور را خودش برسد اداره کردن این معنی نیست بلکه اگر یکی از شرکاء غیر مسئول را کافی بداند او را جزء اعضاء خودش یا معاون خودش کرده باشد این هیچ مانعی ندارد مگر اینکه قید بکنند که در توکیل و دخالت دادن غیر حق نداشته باشد و الا چه مدیر و چه شرکاء مسئول اگر از شرکاء غیر مسئول را بخواهند دخالت در کار بدهند بعقیده بنده مانعی ندارد

**افتخار الواعظین** - گویا آقا توجه به ارباب اولیه بنده نرمودند بنده عرض کردم کمیسیون لفظ (ویا شرکاء) را حذف کرده است یعنی اگر شرکاء مسئول وکالت بدهند بيك نفر از شرکاء غیر مسئول که شما بروید فلان معامله را بکنید او حق معامله دارد اینجا فقط مراد مدیر است مدیر از شرکاء مسئول نیست و ضرر و نفعی اگر اینجا وارد بشود بعهدۀ شرکاء غیر مسئول است مثلاً یکی از شرکاء غیر که فقط صد تومان شرکت کرده است باو میگوید بروید فلان زمین را بفروشید او هم بفروشد بعد معلوم میشود که يك ضرر فوق العاده برای شرکت حاصل شده است باو میگویند برای چه شما این معامله را کرده اید می گوید برای اینکه مدیر بمن حق داده است و حال آنکه خود او را معین کرده اند برای اداره کردن امور شرکت او خودش حق ندارد این کار را بکند اگر بخواهد این حق را بدهد باید با اجازه شرکاء مسئول بدهد و آنچه را که ارباب فرمودند که باید معین کرد که نظارت و تفتیش بموجب نظامنامه است این ماده میخواهد که حدود شرکاء غیر مسئول معین کند میخواهد حدود تفتیش و نظارت را معین نماید میخواهد بگوید آن اشخاصیکه مسئول هستند آنها بیکیه مؤسس هستند آنها حق دخالت دارند ضرر و خسارت بعهدۀ آنها است شرکاء غیر مسئول حق دخالت ندارند حقی که برای آنها هست این است که بروند تفتیش و نظارت بکنند حالا حق تفتیش که میدهند البته موافق نظامنامه ای است که بین خودشان خواهند نوشت و معین خواهند شد.

**حاج وکیل الرعایا** - اینجا اگر عبارت به همین قسم که در این ورقه مندرج است باقی بماند گمان میکنم يك سهولتی در کار شرکت ها داخل نکرده باشد بعلاوه تولید يك زحمتی هم کرده باشد که هیچ شرکتی در این مملکت فراهم نباشد و قبل از یکسال منقصل خواهد شد ترتیب تفتیش در کارهای اداری خارج از دو قسم نیست قسم صحیحش این است که تفتیش دائمی باشد که یک نفر معین را با انتخاب اعضای شوروی عمومی انتخاب شده و در آن اداره هست و همه روزه آن کارهای اداری را تفتیش میکنند این يك ترتیب تفتیش است يك ترتیب تفتیش هم ممکن است که به شعب اینکار را بخواهد تفتیش بکند در يك موقعی آن شخص را که انتخاب میکنند وارد می

میشود در یکی از شعب و تفتیش خود را میکند و بر میگردد لارم باطلاع هم ندارد و انتخاب یک همچو مفتشی هم با مفتش کل است کادر مرکز است دیگر با افراد آن اعضاء یا سرمایه دارانیکه ممکن است هزار تومان یا صد هزار تومان داده باشند که یک همچو اختیاری در هیچ شرکتی در هیچ اداره نمی تواند باشد که آنها هر وقت هر کدام یک فراغتی پیدا کردند بیایند این اداره را تعطیل و تفتیش بکنند و برگردند هیچ همچنین چیزی ممکن نیست باین جهت بنده عرض میکنم که این ماده لابد برای شور دوم بکمیسیون بر میگردد و بنده یک پیشنهادی می کنم که ترتیبش را اینطور قرار بدهند و الا این وضع حاضر که حالا دارد هیچ ممکن نیست که یکسال در ایران بتواند دوام بکند.

**افتخار الواعظین** - با وضع حاضر که میفرمایند بنده هم عرض میکنم یا وضع حاضر و این شرکت هائیکه تا کنون تشکیل شده است و این نمایش هائیکه تا کنون داده اند و امتحانات و تجربیاتی که به مردم بیچاره داده اند اگر شما بشرکاء حق تفتیش و نظارت ندهید احدی اعتماد اینکه پول خود را بیآورد داخل سرمایه شرکت و شرکاء بکنند ندارد ابدأ قبول نخواهد کرد و بچه اعتمادی کند پس از آنکه سرمایه شرکت صحیح و درست است و موافق قانون رفتار میکند چه ضرر دارد که شما بشرکاء غیر مسئول برای اطمینان آنها حق تفتیش و نظارت بدهید بکنفر از شرکاء بیاید بگوید آقا من میخوام دفتر شما را به بینم قرض شما را بدانم معاملات شما را مطلع شوم صندوق شما را به بینم اگر این اطمینان و اعتماد را بشرکاء ندهند احدی حاضر نخواهد شد که پول خودش را داخل این شرکت بکند.

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد اصلاحی از طرف آقای زنجانی پیشنهاد شده است قرائت میشود (بیمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۶ چنین اصلاح شود شرکائیکه مسئول بلاحد نیستند حق ندارند در اداره کردن شرکت و سایر امور دخیل شوند و مدیر و شرکاء مسئول نیز حق توکیل آنها را نخواهند داشت فقط حق آنها نظارت و تفتیش در اعمال شرکاء مسئول است.

**افتخار الواعظین** - اینجا چون حق نظارت شرکاء را بر میدارد اگر آن لفظ را بر دارند بنده قبول میکنم.

**آقا شیخ ابراهیم** - اولاً آن مذاکراتی که شد تا بنسب شرکت ها اساسی دارد که باید آن را ملاحظه کرد این حرفها اینجا چندان مربوط به این مسئله نیست تاسیس شرکتها این است کسانیکه اداره و معامله میکنند آنها را میگویند شرکاء مسئول و اداره کردن متلازم با مسئولیت میگویند شرکاء مسئول اداره کردن متلازم است یا آنها کسانیکه پول داده اند حاضرند داخل باشد ببرند ضرر شد نخواهد برد اینها را صاحبان سهام می گویند که در خارج باشند این است که گفتیم (قسمت دوم شرکاء) پس اداره کردن متلازم است با مسئولیت و این عبارت که ولو این که وکالت داشته باشد هم

صحیح نیست چرا بجهت این که میرساند که می تواند وکیل باشد و بعد از وکیل شدن حق ندارد رسیدگی میکند این است که باید نوشت که از ابتداء حق توکیل شرکاء غیرمسئول را ندارند اما نظارت و تفتیش اینجا بیان حق میکند که آن قسمت چه حق دارد و این قسمت چه حق دیگر حدود معامله در اداره کردن را اینجا نباید معین کرد تا حدود تفتیش و نظارت را معین کند میگوید اینها حق اداره کردن دارند آنها حق تفتیش را دارند به ترتیبات اداری معامله آنها معین خواهد شد ترتیبات تفتیش آنها هم معین خواهد شد الا این میان این است که کدام یک از اینها چه حق دارد و کدام چه حق .

**آقا سید حسن مدرس** - عرض کردم اینجا باید حق وکالت را بطوری که دارند داشته باشند و حکمتی هم نیبیینم که حق وکالت را از آنها سلب کنند و شرکاء غیرمسئول مثل سایر مردم باشند چه شد که شرکاء و مدیر میتواند مردم را وکیل میکند و شرکاء غیرمسئول را نمیتواند .

**رئیس** - این اصلاحی را که پیشنهاد کرده اند همان ماده ۲۶ است معنیها عبارت دیگر است و در این نمی توانیم رأی بگیریم چون خود ماده را میتوان عبارت دیگر پیشنهاد کرد

ماده ۲۷ از طرح عبارت ذیل قرائت گردید در صورت مداخله یکی از شرکاء مسئول در امور شرکت اگر ضرری وارد بیاید خسارت وارده را باید عهده نماید .

ماده ۲۷ - راپورت کمیسیون در صورت مداخله یکی از شرکاء غیر مسئول در امور شرکاء اگر ضرری وارد آید خسارت وارده عهده او خواهد بود .

**منتصر السلطان** - بنده با این پیشنهادی که کمیسیون کرده است مخالف هستم و آن چیزی که در طرح قانونی نوشته شده است صحیح است بجهت اینکه در آنجا اینطور نوشته شده است که در صورت مداخله یکی از شرکاء مسئول در امور شرکت اگر ضرری وارد آید خسارت وارده را باید عهده نماید و علت اینکه اینجا شرکاء مسئول را ذکر کرده است برای این است که خیلی فرق دارد یا شرکاء غیر مسئول بجهت اینکه شرکاء غیرمسئول ابدأ حق مداخله و معامله کردن را ندارند بلکه فقط مدیری که از طرف شرکت معین شده است این حق را دارا میشود و این هم که شرکاء مسئول را در آنجا نوشته اند برای این است اگر بیست نفر سی نفر از شرکاء غیر مسئول بخواهند از پیش خودشان معاملات بکنند بکلی امورا شرکت متعلق خواهد شد پس این پیشنهادی را که کمیسیون کرده است بکلی مخالف است با آن نکته که مقنن از این ماده در نظر داشته است برای این که منظور نظر مقنن این بوده است که شرکاء مسئول نتوانند از پیش خود مداخله در امور و معاملات شرکت بکنند و از این ماده راپورت کمیسیون که مقید کرده است بشرکاء غیرمسئول فهمیده میشود که شرکاء مسئول میتوانند دخالت بکنند و این مخالفت با مرکزیت شرکت میشود که آن اختیاراتی را که از ابتداء شرکاء مسئول برای آن مدیر نوشته اند برخلاف آن هر یک برای خودشان مداخله

پیشنهاد شده است خواننده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد).

هر گاه یکی از شرکاء غیر مسئول بر خلاف اجازه و مقررات نظامنامه داخلی شرکت مداخله در امور شرکت نمایند و ضرری وارد آید خسارت بهمه او خواهد بود .

**حاج شیخعلی** - چون امورات شرکت را یک عده اشخاصی باید اداره بکنند برای اینکه یک نفر مدیری که معین میشود نمیتواند اداره بکند و در صورتی که در نظامنامه شرکت که در اول منعقد شده است نوشته شده باشد که هر کس دارای فلان قدر از سهام باشد مثلا مدیر شعبه شرکت در فلان شهر واقع میشود یا اینکه با اجازه مدیر مسئول چنانچه در ماده قبل گذشت یا با اجازه شرکاء مسئول یک مداخله در امری کرد نمیشود گفت که ضرر آن کار بهمه خود او است و در صورتی این ضرر بهمه او وارد میآید که بدون اجازه مدیر و شرکاء و خارج از آن موادی که در نظامنامه شرکت بوده است مداخله و معامله کرده باشد از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که اگر بر خلاف اجازه و مقررات نظامنامه داخلی شرکت مداخله در امور شرکت بکنند و ضرری وارد بیاید ضرر آن بر عهده خود او باشد والا فلا .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید این پیشنهاد را قبول میکند یا خیر .

**افتخار الواعظین** - ماده ۱۹ را اگر آقای حاج شیخعلی ملاحظه بفرمایند مقصود ایشان در آنجا هست این ماده فقط حدود شرکاء غیرمسئول را معین میکند و این ماده چون بر خلاف مقصود کمیسیون است کمیسیون نمیتواند قبول بکند .

**رئیس** - پس رأی میگیریم در این اصلاح آقای حاج شیخعلی - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند) .

**رئیس** - قابل توجه نشد - ماده ۲۸ خواننده می شود .

فصل ۳ شرکت مختلطه سهامی

ماده ۲۸ - طرح بمبارت ذیل قرائت شد

شرکت مختلطه سهامی مانند شرکت مختلطه مابین چند نفر شریک مسئول و شرکاء غیرمسئول منعقد میشود ولی سرمایه شرکاء غیر مسئول بوسیله سهام تحصیل میشود .

راپورت کمیسیون - فصل ۳ شرکت مختلطه بعنوان مقدمه نوشته میشود شرکتنامه قانونی میآید چند نفر شریک مسئول خواهد بود و در آنجا شرط خواهند نمود که قسمت نافع را از عین المال خود بدهند و انعقاد شرکت میانه آنها و صاحب سهم چه اسمی باشد چه حاملی بدان مبلغ سهم است و گرفتن سهم که علامت شرکت او است و تمام امور متعلقه بشرکت مختلطه سهامی باید قیلا اعلان شود که طالبین سهم دانسته اقدام بگیرفتن نمایند (کمیسیون ماده ۲۸ طرح را عیناً تصویب کرده بود)

**بهجت** - بنده تعجب میکنم که این را بعنوان مقدمه نوشته اند در صورتیکه ممکن است در دو سه ماده نوشته شود و علت اینکه این مطلب باید بعنوان

مقدمه نوشته شود نه بصورت مواد میدانم چه چیز است خوب است بیان بفرمایند .

**آقای مدرس** - فرمایش آقای صحیح است که اگر بشکل مواد نوشته شود بهتر است لکن بعضی مطالب هست که یک مطلب فلسفی است و متعلق بعضی یا تمام مواد است و این قسم مطالب را یا بعنوان مقدمه یا بعنوان تبصره هر قسم که کمیسیون صلاح میدانند باید بنویسند باین ملاحظه بعد از آنی که نظر شد دیدیم که یک ماده یادو ماده کم میشود که معین یک ماده یا مواد دیگر بشود لهذا بعنوان مقدمه نوشته شد و دارای سه مطلب کلی است و آن سه مطلب کلی هم این است که اینجا در حقیقت سه قسم شرکاء هستند یک شرکاء عقودی است که میانه چهار یا پنج نفر اول منفعت میشود و یک شرکاء ممالاتی است که میانه این اجزاء یا آنهایی که سهام میخرند منعقد میشود و یک مطلب دیگر این است که در این مواد یک قسمت نافع هست و قسمت نافع هم مقتضای شرکت نیست که هر کس صد تومان داشت صد بیست تومان باو بدهند از اینجهت لازم شد که دادن این قسمت نافع را شرکاء مسئول برعهده خود بگیرند و اشکالی وارد نیاید تا اینکه اگر وقتی شرکت ضرر میکند یا منفعتش کمتر باشد بمقتضای این قانون رفتار بشود حالا اگر صلاح میدانند که این را ماده بکنند اگر طوری بکنند که این فائده را بیخشد ضرری ندارد

**حاج معین الرعایا** - فرمایشاتی را که آقای فرمودند تصور میکنم که در مواد بعد خواهد آمد و بنده این مقدمه را زائد میدانم و بقیه بنده همان عبارت طرح صحیح تر و جامع تر از تمام اینها است

**حاج وکیل الرعایا** - بنده از اطلاعی که از وضع شرکت عمومی دارم میدانم که مقصود از شرکت عمومی یک شرکت کلی است که هر کس میتواند داخل آن شود و در آن بعضی ترتیب است که تغییرات دادن آن سکنه بکار وارد میآورد و نمیتواند کار را بآن گردش اولیه اش نگاه بدارد و آن شرکتی که حالیه در نظر بنده است این است که یک اشخاص بزرگتری یک سرمایه بزرگتری می دهند و آنها را مؤسس خواهند گفت و بعد یک سهامی تهیه میشود که بیش سایر اشخاص علی قدر مراتب هم تقسیم می شود و هیچ فرقی بین آنها و سرمایه داران بزرگ در موقع تقسیم نفع و ضرر مقصود نیست جز اینکه آن مؤسسان ممکن است خودشان یک فرعی در کار بدهند که از منفعت شرکت صدی فلان قدر مابین ایشان تقسیم بشود بعد مابقی آن که صدی نود یا کمتر یا بیشتر میشود مابین اشخاصی که محققت تقسیم خواهد شد اما اینهم در همه شرکتها باشد یا نباشد نمی توانم عرض بکنم برای اینکه شاید شرکتی باشد که هیچ این مختصات هم در آن نباشد و ممکن است که صدی دو را ابتداء برای مؤسسان جدا بکنند بعد بطور تساوی تقسیم بکنند بین شرکاء و در اینجا بعد از استثناء دیدیم که همه آنها محققتند.

**رئیس** - اینها بیشترش از موضوع خارج است

**حاج وکیل الرعایا** - حالا مقصود بنده این است اینکه میفرمایند از موضوع خارج است ولی چون توضیحاتی که آقا دادند در آن چیزی که اضافه شده است و در اینجا دراز است تا جاچارم بگویم .

**رئیس** - سایر مطالب در مواد بعد است حالا حرف در این است که این را بترتیب و شکل مقدمه بنویسند یا بشکل ماده

**حاج وکیل الرعایا** - خیلی خوب این را اگر به ترتیب مقدمه در اینجا داخل بکنند بنده گمان میکنم که این را از ترتیب شرکتی میاندازد

**افتخار الواعظین** - بنده همان شکلی که آقای مدرس فرمودند مخالفم با اینکه این مطلب بعنوان ماده نوشته شود چرا بجهت اینکه این معنای تاسیس شرکت است فقط با آقای حاج وکیل الرعایا عرض میکنم که بدون این مقدمه تشکیل شرکت صورت قانونی شرعی پیدا نخواهد کرد و از برای اینکه این شرکت قانونی اسلامی شود باید رعایت آنچه که در این مقدمه ذکر شده است بشود و این مقدمه هم چون مربوط بتمام مواد است یعنی اصل مبنی و ترتیب تشکیل این شرکت را تصریح میکند بنده مخالفم با اینکه این ماده باشد بلکه باید بعنوان مقدمه نوشته شود .

**رئیس** - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)

**رئیس** - برای میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا نه آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

**رئیس** - معلوم میشود که مذاکرات کافی نیست .

**بهجت** - بیاناتی که آقای مدرس فرمودند هیچ بنده راقانع نکرد که این مطلب خارج از مواد باشد برای اینکه این سه فقره مطلب است یکی تعریف است و دو فقره دیگر از اصول مطالب است و ممکن است جزء مواد نوشته شود و همیشه هم رسم است که در فصول مختلفه که نوشته میشود تعریفات راهم جزء مواد مینویسند چنانکه اگر بقوانینی که گذشته است رجوع بکنیم خواهیم دید که تعریفات هم جزء مواد نوشته شده است و تا کنون مانظیر این را در قوانین نداشتیم که در بین مواد یک مقدماتی نوشته شود که اصول مطالب باشد و در ضمن مواد درج بشود یا بجهت بنده عقیده ام این است که این مقدمه را در کمیسیون تجزیه بکنند و بشکل مواد پیشنهاد نمایند.

**منتصر السلطان** - در اینجا یک اشکالی که کرده اند گویا سهو و اشتباه کرده اند یعنی تصور کرده اند که این قسمت نافع را توزیع است و توزیع هم برخلاف شرع است در صورتیکه اینطور نیست یعنی اینرا توزیع نمیتوان گفت و در کمیسیون گویا درست آقا را ملتفت نکرده اند بلکه این یک قرائی است که هر شرکت با کمپانی که تاسیس میشود میکنند از آن منافع آن شرکت و تجارت خودشان را از قرار صدی پنج یا صدی شش تقسیم بکنند بین خودشان و بقیه اضافه شود بر سرمایه یعنی ماها که فرضاً یک شرکتی را تشکیل میدهم قرار میگذازم یک قسمت از منافع تجارتی که امساله ما میبریم تقسیم بکنیم بین خودمان و یک قسمت از آن را بیفرایم بر سرمایه آن قسمتی را که بین خودشان تقسیم میکنند اسمش را نافع میگویند و آن قسمتی که مزید میشود بر سرمایه آن را بهره میگویند و این هیچ وقت اسم توزیع نمیشود روی آن گذاشت تا اینکه بفرمایند خلاف

شرح است و گمان میکنم که این مطلب را درست نتوانسته اند در کمیسیون حل بکنند این مثل این ماند که بنده يك مال التجاره را باصفاهان میفرستم و میگویم از هزار تومانی که از این مال التجاره منفع حاصل میشود دو دست تومانش قسمت شود بین شرکاء و باقی مزید بر سرمایه باشد حالا آن قسمت او را همان طوری که عرض کردم در قانون شرکتها لغتی برای آن وضع کرده ایم و اسمش را گذاشته ایم نافع .

**آقای مدرس** - گویا مواد ذیل این فرمایش را که فرمودند متعرض باشد که منافعی که عاید میشود بر دو قسم است یا بنحو استهلاك است یا بنحو غیر استهلاك و این معنی نافع را در قیل آن گذشته اند و معنی نافع هم چنانکه از این مواد فهمیده میشود و کمیسیون هم همینطور فهمیده است این است که هر کسی يك سهم صد تومانی را بخرد در سال پنج تومانی را باو میدهد و این دلالت ندارد بر اینکه در صورت نفع یا ضرر و اگر اینطور است که لابد باید در ضمن شرکت نامه قید شود والا دخلی به منفعت ندارد و ربح میشود .

**رئیس** - خاطر آقایان را متذکر میکنم به اینکه شوردوم هم داریم و ممکن است قبل از شور دوم هم در کمیسیون اصلاحاتی بشود حالا گمان میکنم که مذاکرات کافی باشد (گفتند صحیح است) ماده ۲۹ - خوانده میشود .

(ماده ۲۹ - طرح بعبارت ذیل قرائت شد) .  
سهم یا اسمی خواهد بود یا حاملی در صورتیکه اسم صاحب سهم در روی آن قید شود اسمی است والا حاملی است (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

**رئیس** - در ماده ۲۹ مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست .

ماده ۳۰ خوانده میشود .  
(ماده ۳۰ طرح بعبارت ذیل قرائت شد) .

ملکیت سهم حاملی را میتوان بدون رعایت ترتیبی بدیگری انتقال داد ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه مرکز شرکت اظهار نموده و اظهار او در دفتر مخصوص ثبت شود .

( کمیسیون عیناً تصویب کرده بود )  
**رئیس** - مخالفی هست (گفتند خیر) ماده ۳۱ خوانده میشود .

(ماده ۳۱ طرح بعبارت ذیل قرائت شد) .  
هیچ سهمی اعم از این که اسمی یا حاملی باشد مبلغ آن بیش از صد تومانی نمیتواند باشد (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

**رئیس** - کسی ایرادی دارد ( اظهاری نشد) ماده ۳۲ قرائت میشود .

(ماده ۳۲ طرح بعبارت ذیل خوانده شد) .  
محض تأدیة منافع سهم باقسط و بجهت این که چند نفر بتوانند شریک شده يك سهم اکتساب نمایند برای هر سهمی میتوان چندین قسمت متساویه قرار داد موسوم به ( برش ) است از این قرار يك سهم صد تومانی ممکن است دارای پنجاه ( برش ) دو تومانی باشد .

( نیز کمیسیون عیناً تصویب کرده بود )  
**حاج وکیل الرعایا** - این برشها که در

روی اوراق سهام طبع میشود در وقتیکه سود آنها داده میشود آنها را پس بگیرند پس این راجع باستقراض است و نباید داخل بشود در کار شرکتی برای اینکه معلوم نیست که در آخر سال چه بآن شرکت میرسد که بآن برشها بدهند تا این که ما پیش پیش از برای او برش قرار بدهیم و البته باید يك ترتیب دیگری در نظامنامه داخلی شرکت برای اینکار معین بکنید و الا این برش را که در این ماده گنجانیده اید بکلی از موضوع مذاکره ما خارج است یعنی راجع باستقراض است و مجلس اینجا نیست .

**آقای حاج وکیل الرعایا** - آقای حاج وکیل الرعایا خیلی اشتباه فرموده اند این سهم صد تومانی ممکن است پنجاه برش دو تومانی باشد و بعد پنجاه نفر جمع شوند و هر کدام يك برش دو تومانی بخرند که مجموع آنها دارای يك سهم باشد و بعد هم قرار میگذارند که از معاملات شرکت هر قدر منفعت حاصل شود از قرار تومانی شمار بصاحبان سهام حق بدهند

**هشترودی** - از فرمایش آقای مخبر همچو معلوم شد که او منفعت را میرسد بعد هم خسارت پای او حساب میشود این معنی اینست که ربا است و ضرر را هم منتها بیای او حساب میکنند این را توضیح بدهند مثلاً این شرکت هیچ منفعتی نکرده است باز نافع را میرسد یا دیگری را میرسد بنده این میبرد را نمیفهمم .

**منتصر السلطان** - اینجا گویا يك اشتباهی شده است در تصره دو فقره سؤال کردند در باب بهره و نافع که اگر شرکت ضرر کرد تکلیف آن بهره چه میشود مقصود از این ماده این است که تا وقتی که شرکت را تشکیل دادیم و آن شرکت را فرار دادیم این تجارتی را که میکنند صدی فلان مبلغ را که از این تجارت نفع میبریم تقسیم میکنیم بین شرکاء و بقیه این نفع خودمان را مزید بر سرمایه شرکت میکنیم و در سال قرار میگذارند که بوجوب قرعه یا بقراردادی که دارند صاحبان این سهام بیایند بدهند و پولشان را بگیرند که بر پول خودشان را يك کاری بیندازند و آن سرمایه شان محفوظ بماند البته در موقعیکه يك کسی که سهام خود را واگذار کرده است و پول خود را گرفته است و آن سرمایه ازلی مانده است که با بدهند اگر این کمیانی ورشکست شود و این شرکت ضرر کرد از میان میرود و اگر سایرین سهامشان را گذارده باشند و واگذار بشود شرکت نکرده باشند مسلماً سهام بهره آنها هر دو از میان میرود و در حقیقت بهره که راجع بآن سهام اولی است و نافع در مقام ثانی است از قرار قرعه در سال یکدمه سرمایه خودشان را پس بگیرند این هیچ ربطی بر ما ندارد و هیچ خلاف شرع نیست .

**هشترودی** - آقای قدری اشکال بنده را زیاد کردند این میگوید منفعت هر سهمی یعنی آن پولی که داد آن پول باید همینطور بماند و از این پول این منفعت را ببرد نمی گوید که صدمه میخورد و اساس این پول هم از میان میرود البته اگر شرکت تمام پولش هم غرق در دریا باشد این اصل پول هم میرود ماهیچ حرفی در او نداریم اصل اساس صدمه خورده یا نخورده حرف نداریم منفعت را میگوید دو قسمت بنده عرض میکنم که این دو قسمتی را که اینجا کرده است یکی نافع و یکی بهره این منفعت نکرده که این نافع را ببرد یا بهره ببرد بلکه صدمه خورده است یعنی که امسال منفعت نبوده يك اندازه از اصل سرمایه هم صدمه خورده است از کجا باز از این دو قسمت نافع و بهره يك چیزی باو میدهند این را يك جوابی بدهند نامن قانع شوم .

**آقا میرزا احمد** - فقط چیزیکه کفایت میکند از برای جواب آقا همین است که اگر ضرر هم کرد برعهده آنها وارد خواهد شد این ماده بخوبی میفهماند که آن اشکالی که سابق کرده بودند این اشکال وارد نیست در ماده ۳۴ میگوید که هر چیزی که عایدی پیدا کرده عایدش دو قسم میشود يك قسمت بر حسب قرارداد است و موسوم بنافع است سال بسال بین آنها قسمت میشود و يك قسمت دیگر بعد از وضع او هر چه باقی ماند او بعنوان بهره میماند و در ماده ۳۵ طریقه استهلاكش را ذکر میکنند پس این این قسم میشود که هر چه عایدی پیدا کرده

است آن عایدی تقسیم میشود نه اینکه اگر عایدی پیدا نکرد باوجود این آن مؤسسين اول هم باید يك حقی بدهند البته در صورتیکه ضرر کرد مثل شرکت مختلفه که آنها منقسم میشود منتها زایدی که حق دارند از آنها او بر آنها تقسیم میشود .  
**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) .

ماده ۳۵ طرح بعبارت ذیل قرائت شد .  
ماده ۳۵ - در صورتیکه قرار شود که هر ساله يك قسمت معینی از منافع شرکت تخصیص استهلاك وجه سرمایه میشود صاحبان سهامیکه وجه آن مسترد شده است از سالهای بعد فقط از بهره منتفع خواهند شد (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) .

**رئیس** - مخالفی در این ماده نیست (مخالفی نبود) ماده ۳۶ - ماده ۳۶ طرح بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۳۶ - علاوه بر نشر اسهام در صورتی که شرکت پس از تشکیل وجهی لازم داشته باشد میتواند قرض کرده و تسکات شرکتی انتشار دهد در این صورت دارنده تسکات شرکتی فقط حق نافع خواهند داشت (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) .

**آقا شیخ محمد خیابانی** - همین ماده ۳۶ میسراند و تصریح میکند بر اینکه ماده ۳۴ اشکال داشته است اینکه اینجا مینویسد که قرض میکند در مقابل تسکات انتشار میدهند و برای صاحبان تسکات منفعتی میدهند این را توضیح بدهند که این معنایش چه چیز است تاماده ۳۴ اشکال حل شود

**آقا شیخ الواعظین** - این شکلی که فرمودند که از این ماده معلوم شد که آن ماده هم اشکال داشته است با این توضیحات گمان میکردم اشکالی باقی

نمانده عرض میکنم او را دو قسمت میکنند يك قسمش را بعنوان نفع قرار میدهند که صدی پنچ را مثلا بعنوان منفعت بدهد و صدی نود و پنج را بعنوان بهره بر اصل سرمایه میافزایند حالا آمدند بیست هزار تومان قرض کرده اند که پنبه و پشمی بخرند و حمل بروسه کنند این يك بهره کرده است معلوم است که آن صاحبان بیست هزار تومان که بر اصل سرمایه افزوده اند چون شریک نیستند يك کسانی هستند پول قرض داده اند قرضشان را میدهند یا منفعتی که از پول آنها عاید شده است و چون شریک نیستند از آن بهره که بر اصل سرمایه باید افزوده شود بآنها داده نخواهد شد این کار اشکالی ندارد

**آقا شیخ محمد خیابانی** - توضیحات آقای مخبر رفع اشکال را نکرد میفرمایند وقتیکه برای يك شرکتی پول لازم شد آن را قرض میکنند و تسکات بآنها میدهند و بعد تسکات آن را تقسیم میکنند و آن صاحبان طلب که قرض داده اند شریک نیستند ولی در مقابل پول آنها يك چیزی بآنها میدهند این غیر از این است که این منافع را در مقابل قرض میدهند اگر مقصود غیر از این است که مطلبی است علیحده و باید توضیح شود والا اشکالی باقی است .

**آقا سید حسن مدرس** - عرض میکنم ظاهراً این صحبت ها اسباب تضییع اوقات است بجهت اینکه مؤلف این مواد آقای رئیس هستند حاضرند و صحبت

نمی فرمایند بعد که بکمیسیون میرود جهات مطلب معلوم میشود و زایدی این مذاکره ندارد  
**رئیس** - این در صورتی است که برگردد بکمیسیون بنده خودم که نمیتوانم این تقاضا را بکنم .  
**آقا شیخ الواعظین** - بنده تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون که در آنجا نظری در این بشود .

**رئیس** - ده دقیقه تنفس است و بعد از تنفس ماده ۱۷ قرائت میشود مجدداً بعد از تنفس جلسه يك ساعت قبل از ظهر تشکیل گردید .

**رئیس** - ماده ۳۷ قانون شرکتها قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۷ - تأدیة قیمت نافع کمکتی بر تأدیة منفعت سهم تقدم و رجحان دارد و همینطور بعد از تفکیک از دارائی شرکت اول وجه تسک پس از آن قسمت شرکاء داده خواهد شد .

**رئیس** - مخالفی نیست .  
**حاج وکیل الرعایا** - ماده قبل که رجوع

بکمیسیون شد این هم يك شرکت تامی نسبت باو دارد و اگر در آن يك نظری دارند خوب است همان نظر هم در اینجا منظور شود چون مقصود از این منفعت آنچه میفهمند آن يك قسمت از عایداتی است که در معاملات از راه شروع عاید شده بنده از این منفعت اینطور میفهمم اگر مقصود مقنن از این منفعت يك ربیعی است که بر اصل پول قبول میکنند یعنی بآن شرایط يك اسنادی منتشر میکنند میان اهالی که من پولی را از شما موقتاً برای دو سال یا سه سال قبول میکنم بايك فرع صدی هفت و بعد این ماده را اینجا گنجانیده است که آن معنی را برساند گمان میکنم که این را در اینجا مانع میتوانیم تصویب بکنیم و هیچکس هم نمیتواند تصویب بکند بجهت اینکه آن معنی را میسراند و اگر آن شرط اولی است که ار عایدات این شرکت چنانچه مکرر عرض شد باید قسمت شود و يك قسمت دیگری هم بعد از آنی که لازم شد بوجوب نظامنامه داخلی خودشان تقسیم خواهند کرد مقصود از این منفعت و این عبارت دومی اگر این است که این خیلی صحیح است و مشروع و موافق با مقتضیات این مملکت است و میتواند در اینجا باشد و اگر غیر از این است باید برود بکمیسیون بعد از آن نظری که لازم است یا آن ماده قبل دو مرتبه باید بمجلس برای مذاکره

**آقا شیخ الواعظین** - بله بنده هم تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون که تجدید نظری

بشود - ماده ۳۸ طرح - احداث شرکت مختلطه اسهامی باید بقید بطلان با اجازه دولت باشد و این اجازه باید از مجلس شور وزراء داده شود در ورقه که استندعای اجازه میشود باید اسامی شرکاء مسئول ذکر و بهر و امضای آن ها رسیده باشد کمیسیون عیناً تصویب کرده بود .

**رئیس** - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود)

ماده ۳۹ - علاوه بر شرایطی که در مواد ۷ و ۶ ذکر شد شرکت نامه باید متضمن فقرات ذیل باشد اولاً تعیین قسمت نافع تا نوبت در صورتیکه هر ساله قسمتی از منافع شرکت باید ذخیره شود با تعیین



شرکت تماماً بتصرف داده نموده باشد پس وقتی که در حصه جنسی باین ترتیب عمل نشده است آنوقت شرکت رسماً منعقد نشده است .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)  
**رئیس** - ماده ۷ را بخوانید .

(ماده ۷ طرح قانونی که کمیسیون عیناً تصویب کرده بود بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۷ - در مجلس اساسی صورت تقویم مدیران شرکت پیشنهاد میشود چند نفر به تصویب مجلس برای رسیدگی بتقویم جنسی معین میشوند مقومین پس از رسیدگی راپورت کتبی بمجلسی که در ثانی منعقد خواهد شد میدهند مجلس پس از قرائت راپورتی که طبع وتوزیع شده است رأی خود را میدهد و میتواند مجدداً حکم بتقویم نماید راپورت فوق باید اقل سه روز قبل از اجلاس ثانوی دارندگان سهام در دفتر شرکت حاضر باشد که هر کس می خواهد رجوع نماید .

**حاجوکیل الرعایا** هر کس راجع بان اشخاص محق است که قانون بانها حق داده است اگر مقصود این است شخص اجنبی هم برود آنجا ودخالت بکنند این مخالف باقانون تجارتی است .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)  
**رئیس** - ماده ۴۸ را بخوانید .

(طرح قانونی) ماده ۴۸ برای صحت تشکیل شرکت مدیران شرکت باید در وزارت تجارت در حضور پنج نفر از تجار معتبر شهر اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول وموافق ماده ۴۵ تأدیه شده است صورتی از شرکاء یا صورتی از وجوه تأدیه شده بانضمام شرکت - نامه مصدق بوزارت تجارت و پنج نفر شاهد ارائه میشود اظهارنامه که حاوی تمام این مطالب باشد بقید بطلان باید سه نسخه نوشته شده بامضای وزیر تجارت و پنج نفر شاهد برسد يك نسخه در دفتر وزارت تجارت و يك نسخه در مرکز شرکت و يك نسخه دیگر در وزارت عدلیه ضبط شود و بهر يك از این سه نسخه باید نسخه از مجلس سهام در باب حصه جنسی منضم باشد .

(کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) .  
**رئیس** در این ماده مخالفی هست (اظهار نشد)

**رئیس** - ماده ۴۹ را بخوانید .  
(بعبارت ذیل قرائت شد) .

طرح قانونی ماده ۴۹ - در ولایات مراتبی که راجع بوزارت تجارت است در نزد حاکم بعمل آمده و اظهارنامه بچهار نسخه نوشته میشود که یکی از آنها در دفتر حکومت ضبط ومابقی موافق ماده فوق بجاهای لازم داده شود واگر شرکت در شهرهای متعدد شعبه دارد برای هر يك از آنها يك نسخه اظهارنامه و يك نسخه تصدیق مجلس سهام نوشته شده بحکومت محلیه فرستاده میشود کدر دفتر ضبط شود .

**رئیس** - مخالفی هست ؟  
**ارباب کیخسرو** - اینجا در ولایات رجوع کرده اند بجا کم در صورتیکه در ولایات نماینده وزارت تجارت باشد چگونه بجا کم رجوع میشود وسزاوار این است که بخود نماینده وزارت تجارت رجوع شود

**افتخار الواعظین** - در مقدمه آن قانونیکه نوشته شده و پیشنهاد شده است اگر ملاحظه بفرمایند آنجا نوشته شده است و در ولایات مادامی که نظر

حکومت دخیل است که نماینده وزارت تجارت در آنجا نباشد بعد از آنکه نماینده وزارت تجارت بولایات هم فرستاده شد آنوقت کلمه حکومت را بر میدارند و نماینده وزارت تجارت بجای آن گذاشته میشود .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این کافی نیست بجهت اینکه فرضاً این قانون گذشت در یک ولایت نماینده وزارت تجارت نمود بعد از یکسال که نماینده وزارت تجارت رفت آنجا آنوقت حاکم میتواند این قانون را مستمسک نکند وبگوید توجکاره پس باید آنجا قید شود که در جاهائیکه نماینده وزارت تجارت نیست آنجا با حاکم باشد باید این قید بشود  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

ماده ۵۰ را بخوانید .  
طرح قانونی ماده ۵۰ - اظهارنامه و تصدیق حصه جنسی باید موافق ماده ۴۱ اعلان شود کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

**رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده ۵۱ را بخوانید .

طرح قانونی ماده ۵۱ - اسنادیکه موافق ماده ۴۸ و ۴۹ در جاهای لازم ضبط شده است هر کس حق دارد برای ارائه آن بجای مزبور رجوع نماید (کمیسیون عیناً تصویب کرده است)

**رئیس** - مخالفی نیست ؟  
**ارباب کیخسرو** - بنده هیچ معنی لفظ هر کس را اینجا نمیفهمم یعنی هر کس بخواهد یا اینکه کسانیکه حق دارند اگر مقصود کسانی است که حق دارند باید واضح نوشته شود و الا هر کس بخواهد و حق دارد برای ارائه بانجا رجوع نماید مثل این است که هر کس حق دخالت در شرکت دارد و این چیز غریبی است توضیح بدهند که مرادشان چیست .

**افتخار الواعظین** - مراد کسانی است که در شرکت مداخله دارند و در کمیسیون هم توضیح داده خواهد شد .  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)  
ماده ۵۲ را بخوانید .

طرح قانونی ماده ۵۲ - علاوه بر شرایطی که برای صحت تشکیل شرکت ذکر شد باید مجلس دارندگان سهام هیئتی موسوم به هیئت ناظره که عده آن از سه نفر کمتر نباشد از میان شرکاء غیر مسئول منتخب نمایند هیئت مزبوره که هر ساله تجدید انتخاب میشود موافق موادیکه خواهد آمد ناظر اعمال مدیران شرکت و حافظ منافع شرکت است (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)  
**رئیس** - چون ظهر نزدیک است بقیه شور این طرح قانونی میماند برای جلسه آتی - راپورت کمیسیون عرایض ومرخصی را بخوانید .

(بعبارت ذیل قرائت شد)  
آقای حاج شیخعلی نماینده خراسان بمجلس مقدس شورای ملی عریضه دو ماه مرخصی تقدیم نموده و در کمیسیون عرایض ومرخصی مطرح شور گردید با کثرت رد شد وتصویب نگردید .  
**رئیس** - رأی میگیریم بر راپورت کمیسیون

عرایض ومرخصی که تصویب نکرده است مرخصی ایشانرا - آقایانیکه موافقت براپورت یعنی تصویب نمیکنند مرخصی ایشانرا قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - راپورت کمیسیون تصویب شد یعنی مرخصی ایشان را تصویب نکردند و رد شد - آقای ذکاء الملك از عضویت کمیسیون بودجه استعفا کرده بودند آقای اعتصام الملك با کثرت ۱۴ رأی بجای ایشان انتخاب شد طرح آقای عز الملك چندی قبل گویا اینجا مذاکره شده بوده و قرار شده بوده است که برود بکمیسیون تفسیر لکن صحیح نبوده است باید قبل از آنکه برود بکمیسیون تفسیر اینجا قابل توجه بشود اگر قابل توجه شد میرود بکمیسیون این است که جزء دستور جلسه آینده میگذاریم دستور جلسه آتی بقیه شور در طرح قانونی شرکتهای رأی در قابل توجه بودن طرح آقای عز الملك - رأی در راپورت کمیسیون بودجه راجع بآیت الله زاده طهرانی در دستور مخالفی هست .

**عز الملك** - طرح بنده چه میشود .  
**رئیس** - طرح جنابمالی هم رجوع میشود به کمیسیون مبتکرات - طرحی است که آقای معزز - الملك پیشنهاد کرده اند در خصوص نظارت وزارت مالیه ببلدیه ها

(در این موقع که ده دقیقه قبل از ظهر است رئیس حرکت کرده مجلس ختم شد)

**جلسه ۲۷۱**

**صورت مشروح روز پنجشنبه شانزدهم رجب ۱۳۲۹**

آقای مؤتمن الملك رئیس سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس را افتتاح فرمودند آقایان میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت نمودند ( اسامی غائبین جلسه قبل بقرار ذیل در ضمن صورت مجلس قرائت شد) .

آقایان حاج امام جمعه - ناصر الاسلام - دکتر اسماعیل خان - ادیب التجار - آقا شیخ حسین یزدی بدون اجازه غائب بودند و آقایان آقا میرزا ابراهیم خان - طباطبائی - حاج آقا - لواء الدوله - حاج شیخ الرئیس - آقا سید حسین کزازی - حاج سید ابراهیم با اجازه غائب بودند - آقا میرزا یانس پنجاه دقیقه - آقا میرزا ابراهیم قمی چهل و پنج دقیقه - آقای بهجت چهل دقیقه - و آقایان مشیر حضور و ذکاء الملك هر يك نیم ساعت بعد از وقت مقرر حاضر شده اند .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی نبود صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور در بقیه قانون شرکت های تجارتی راپورت کمیسیون بودجه راجع بآیت الله زاده طهرانی رأی در قابل توجه بودن طرح آقای عز الملك .

**عز الملك** - چون بعضی از آقایان طرح بنده را مخالف با اصل سی و دوم قانون اساسی می دانند تصور میکنم آن را رد بفرمایند باین جهت تقاضا میکنم که اول اصل ۳۲ قانون اساسی رجوع شود بکمیسیون تفسیر و پس از آن که راپورت